

ادوار حیات، تحلیل شخصیت و اعتقاد مذهبی زهیر بن قین

فاطمه ضیایی^۱

چکیده

پژوهش حاضر، شخصیت زهیر بن قین را از زاویه‌های مختلف مانند اعتقادات، مبارزات، شجاعت، فداکاری در صدر اسلام و در قیام خونین و تاریخی امام حسین علیه السلام در کربلا بررسی می‌کند؛ زیرا یاران امام حسین علیه السلام در کربلا افرادی با ایمان راسخ بودند که در شرایط بسیار سخت دست از یاری امام علیه السلام نکشیدند و الگوی آیندگان شدند. زهیر بن قین از شخصیت‌های محبوب قیام عاشورا در نگاشته‌های تاریخی، قبل از قیام عاشورا دور از اهل بیت معرفی شده است. در پژوهش حاضر با دلایل و شواهد موثق با روش تحلیلی-توصیفی و با داده‌های کتابخانه‌ای شد که وی پیش از قیام عاشورا مؤمن و شیعه واقعی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد او بوده و اتهام عثمانی بودن او را رد می‌شود. همچنین نحوه پیوستن زهیر به کاروان امام حسین علیه السلام و خطبه‌های او در میدان رزم در برابر سپاه یزید و چگونگی جنگ و نبرد زهیر به دلیل دفاع از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کیفیت شهادت او تجزیه و تحلیل شده و سابقه ارتباط و ارادت زهیر به خاندان علی علیه السلام و اولادش را به شکل مستند ثابت شد. همچنین با استفاده از منابع موثق و معتبر دیدگاه‌های امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و امام حسین علیه السلام درباره اعتقاد و شخصیت زهیر بیان شده است.

واژگان کلیدی: اعتقادات مذهبی زهیر بن قین، شخصیت زهیر بن قین، ادوار

حیات زهیر بن قین.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم السلام از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

با مرور اجمالی در تاریخ قیام‌های بزرگ و اصلاحی جهان، این مطلب برای خوانندگان ثابت می‌شود که هر قیامی، یک رهبر مصلح و بزرگ با هدف و انگیزه‌های مشخص و تعدادی از چهره‌های متشخص و پرتلاش و مخلص دارد. چهره‌هایی که بدون چشم‌داشت مادی و موقعیت‌های سیاسی بدون وقفه در شبانه‌روز کوشش کرده‌اند تا حرکت و نهضت اصلاحی خویش را به ثمر برسانند. یکی از قیام‌های ظلم‌ستیز و اصلاحی، قیام و انقلاب حسین بن علی علیه السلام در کربلاست که در سال ۶۱ هجری علیه غاصبان بنی‌امیه به سرپرستی یزید بن معاویه آغاز شد. این قیام اگرچه از نظر زمانی بسیار کوتاه بود، اما دست‌آوردی بسیار چشم‌گیر، حیاتی، تاریخ‌ساز، اصلاح‌گرانه و بیدارگرانه داشت. یاران رهبری انقلاب اسلامی کربلا تعداد انگشت‌شماری از انسان‌های باایمان و اخلاص و ایثار بودند که روح بزرگ، اراده فولادین و اعتقاد راسخ به اسلام، **قرآن**، پیامبر و اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم داشتند. یکی از این افراد الگوساز و حماسه‌آفرین، زهیر بن قین بجلی کوفی است. درباره یاران امام حسین علیه السلام تاکنون مقاله‌هایی نوشته شده است، اما جزئیات اثبات ایمان زهیر بن قین در آنها توسط محقق دیده نشده است. در این میان محقق از ترجمه کتاب زهیر بن قین الهام و گرفته و شخصیت و اوصاف منحصر به فرد او را تجزیه و تحلیل کرده است. همچنین انگشت اتهامات را از ایشان برداشته و الگو بودن و اعتقاد ایشان را در ایمان به همه ثابت می‌کند.

۲. معرفی زهیر بن قین

زهیر پسر قین، پسر قیس، پسر مالک، پسر دینار، پسر ثعلبه، پسر عمرو، پسر بیشکر، پسر علی، پسر مالک، پسر سعد، پسر بدر، پسر قیس انمار بجلی است. (السماوی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵) واژه زهیر در لغت به معنای تابندگی و درخشندگی است. حضرت زهرا علیها السلام وقتی به محراب نماز می‌ایستاد هاله‌ای از تابش نور و درخشندگی برای آسمانیان داشت. به همین دلیل زهرا نام‌گذاری شد. عرب‌ها برای مردان خود نام زهیر را برمی‌گزیدند. واژه بجلی لقب زهیر است. طایفه بجلی و بجلیه،

فرزندان انماربن اراش بن کهلان از قحطانیه کشور فعلی یمن از عرب‌های جنوب حجاز هستند (السمووی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱). لقب انماری نیز گاهی برای شخصیت ایشان به کار رفته است (امین عاملی، ۱۹۹۸، ۴۹۹/۳). با توجه به مطالب فراوانی که در کتاب‌های تاریخ عاشورا درباره سن و شخصیت زهیربن قین آمده است مورخین، ایشان را فردی سالخورده در زمان قیام عاشورا معرفی کرده‌اند. شاهد بر این مطلب سخن خود ایشان درباره فتح بلنجر است که زهیر در مورد این جنگ با یارانش صحبت می‌کند و از حضور خود در این فتح به آنان خبر می‌دهد. فتح بلنجر واقعه‌ای است که در زمان عثمان بن عفان خلیفه سوم روی داده است. بنابر قولی، این فتح در ایام خلافت عمر بن خطاب بوده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ۳۰۵/۱).

می‌توان از نظر زمانی، روایت زهیربن قین خطاب به حضرت عباس علیه السلام در قیام عاشورا را بیان کرد. زهیر علت ازدواج امام علی علیه السلام با بانوی مخدره یعنی، ام‌البنین که جزو قبایل با نام و نشان و سلحشور عرب بود را شرح می‌دهد و اینکه آرزوی امام علی علیه السلام از این ازدواج، تولد فرزند شجاع و غیوری بود که ذخیره قیام عاشورا باشد و در این روز سخت امام خود را یاری کند. او با این روایت حضرت عباس علیه السلام را به شجاعت تشویق و ترغیب می‌کند تا از امام حسین علیه السلام در مقابل سپاه ستمگر یزید جسورانه دفاع کند. ازسوی دیگر، ولادت حضرت عباس علیه السلام در سال ۶۱ هجری است و در کتاب زهیربن قین به نقل از بطل العلقمی آمده است که تاریخ وقوع شهادت حضرت عباس علیه السلام در ۳۴ سالگی بوده است (سید جمال اشرف، ۱۳۸۹، ص ۲۹)، پس می‌توان سن زهیربن قین را در کربلا حدود ۶۰ یا ۶۵ سال تخمین زد.

۳. شخصیت زهیر در اجتماع

زهیربن قین با توجه به کبر سن و سابقه درخشان در تاریخ اسلام، هم در میان قبیل خود شخصیتی مورد احترام بود و هم در شهر کوفه در میان مردم این شهر چهره‌ای مشهور بود و جایگاه عالی و ممتاز اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دینی داشت. رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌های زهیربن قین در تاریخ نبردها، مشهور و زبانزد عامه مردم بوده است.

۴. عثمانی بودن زهیر

درباره سابقه زهیر در بعضی از کتاب‌های تاریخی گفته شده است که او از هواداران عثمان بن عفان و عثمانی بوده است. (السماوی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹)، اما گویی عقیده واقعی خود را نسبت به دوستی اهل بیت علیهم‌السلام مخفی داشته و در میان مردم با تقیه زندگی می‌کرده است. زهیر به کاروان امام علیه‌السلام می‌پیوندد و همراه سیدالشهدا علیه‌السلام می‌شود و از حریم خاندان عصمت و طهارت، عاشقانه دفاع می‌کند و در این راه جان فشانی می‌کند و به شهادت می‌رسد.

۴-۱. زرود یا منطقه پیوستن زهیرین قین به امام حسین علیه‌السلام براساس تاریخ

زرود منطقه‌ای ریگزار در میان شهرهای کوفه و مکه و در مسیر راه کاروان‌های حاجیان است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ۳/۱۳۹؛ دینوری، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴) این منطقه جزو منزلگاه‌های متعددی است که امام حسین علیه‌السلام در حرکت از مکه به کوفه در آن فرود آمد و زهیرین قین نیز در همین مکان به وی پیوست. در کتاب **ابی مخنف** آمده است: «شخصی به نام سدی که از بنی فراه بود برایم نقل کرد که زمان حجاج بن یوسف ما در خانه حارث بن ابی ربیع بودیم. خانه‌ای در منطقه تمارین بود که بعد از زهیرین قین از بنی عمر بن یشکر از بجیله به او رسید. اهالی شام وارد آن منزل نمی‌شدند، ولی ما در آن جمع شده بودیم. راوی می‌گوید: به فرازی گفتم: درباره خودتان برایم نقل کن درباره وقتی با حسین بن علی علیه‌السلام آمدید. گفت: ما همراه با زهیرین قین بجلی بودیم. وقتی از شهر مکه می‌آمدیم با کاروان امام حسین علیه‌السلام هم‌مسیر شدیم. هیچ چیز برای ما ناراحت‌کننده‌تر از این نبود که با او در یک منزل هم‌مسیر شویم. وقتی کاروان امام حسین علیه‌السلام راه می‌رفت کاروان زهیر بازمی‌ایستاد. وقتی هم که کاروان امام منزل می‌کرد کاروان زهیر پیش می‌افتاد. تا اینکه در منزلی فرود آمدیم و چاره‌ای نداشتیم جز اینکه با او هم‌منزل شویم. امام حسین علیه‌السلام در گوشه‌ای فرود آمد و ما در گوشه‌ای دیگر». (الغامدی الازدی الکوفی، ۱۹۹۹، ص ۴۳۷-۸۳۸؛ طبری، بی‌تا، ۳/۳۰۲؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹) وقتی امام حسین علیه‌السلام بارگاه مجلل و شکوه‌مندی را در توقفگاه دید، پرسید: این بارگاه از آن کیست؟ در پاسخ گفتند: «از آن زهیرین قین است. گروهی از قبایل

فزاریه و جلیله که او را در این منزلگاه دیده بودند، می‌گفتند: این وضعیت در سفر حج بوده است. خورشید به میانه آسمان بود و روزی گرم و طاقت‌فرسا بود. در چنین شرایطی حضرت اباعبدالله علیه السلام یکی از همراهان خود را به سراغ زهیر بن قین فرستاد» (سنگری، ۱۳۹۱، ۱/۲۹۴). راوی می‌گوید: «در همین حال که نشسته بودیم، داشتیم غذا می‌خوردیم. هنوز لقمه‌ای به دهانمان نرسیده بود که فرستاده‌ای از سوی امام حسین علیه السلام در خیام ما رسید و سلام کرد، سپس داخل جمع ما شد و روی به شخص زهیر کرد و گفت: ای زهیر بن قین! همانا اباعبدالله‌الحسین بن علی علیه السلام مرا به سوی تو فرستاده تا پیام او را به تو برسانم. پیام این است که امام از تو خواسته تا نزد او آیی. بعد از شنیدن این خبر بود که هر کدام ما آنچه در دست داشتیم انداختیم، گویا روی سرمان پرنده‌ای نشسته بود. زهیر با شنیدن این خبر به خاطر مدارا و رعایت حال اطرافیانش کمی مکث و درنگ کوتاهی کرد».

راوی می‌گوید: «دلهم بنت عمرو نقل می‌کند که من به او گفتم: آیا پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنبال تو می‌فرستد و تو نمی‌روی؟ سبحان الله! چه می‌شد که به خدمت او می‌رسیدی و سخنش را می‌شنیدی و سپس بازمی‌گشتی». آن زن می‌گوید: «زهیر بن قین به خدمت امام حسین علیه السلام شرفیاب شد. هنوز زهیر به خیمه نرسیده بود که امام حسین علیه السلام بیرون آمد در حالی که آغوشش گشوده بود و عبایش به زمین کشیده می‌شد. او به استقبال زهیر آمده بود. همین که دو نفر چشم در چشم هم نگاه کردند شرایط تغییر کرد و انگار همین یک نگاه کوتاه بین امام و زهیر اثر خود را گذاشت». آن زن در ادامه می‌گوید: «زمان زیادی نگذشت که زهیر با خوشحالی به طرف خیمه‌اش بازگشت در حالی که چهره‌اش شکفته بود و غوغایی در درونش وجود داشت. زهیر بلافاصله دستور جمع کردن بارونه و خرگاه خود را صادر کرد، سپس به همسرش گفت: تو از طرف من طلاق داده شده‌ای. نزد خانواده‌ات برو چون نمی‌خواهم به خاطر من و از سوی من جز خیر و نیکی به تو چیزی دیگری برسد. همسر زهیر به او می‌گوید: من در اجر و پاداش آزادگی و جوانمردیت سهمی بزرگی دارم، پس بگذار که من نیز با شما و همپای شما بیایم». زهیر بن قین رو

به همراهان خود می‌کند و می‌گوید: «هر کسی از شما که دوست دارد به دنبال من و همراه من بیاید که چه بهتر، بیاید وگرنه این آخرین دیدار ما و شماست». (الغامدی الازدی الکوفی، ۱۹۹۹، ص ۴۳۷؛ طبری، بی تا، ۳/۳۰۲؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹؛ سنگری، ۱۳۹۱، ص ۲۹۴)

سپس زهیربن قین و همسرش، دلهم، این دو یار وفادار به سوی کاروان امام علیه السلام حرکت کردند تا پشت خیمه امام حسین علیه السلام رسیدند و گفتند: «السلام علیک یابن رسول الله!». زهیر درحالی که با چشمان اشک بار در آغوش امام حسین علیه السلام اشک می‌ریخت دلهم در آغوش زینب علیه السلام می‌گریست. کمی بعد از پیوستن زهیر و همسرش، سلمان بن مضارب پسر عموی زهیربن قین و غلام زهیر نیز به کاروان نجات بخش امام حسین علیه السلام ملحق شدند. سیدالشهدا زهیربن قین را چون گلی زیبا و شکفته در منطقه زرود جذب کرد و الحاق این یار وفادار و شجاع به کاروان امام حسین علیه السلام یک دست‌آورد مهم بود.

۵. اقدامات زهیر در راستای یاری کردن امام حسین علیه السلام

۵-۱. دعوت زهیربن قین از خویشان

زهیربن قین قبل از اینکه به ذریه حضرت زهرا علیه السلام ملحق شود سلسله اقدامات مهمی را اجرا کرد. او نخست مانند رهبری بزرگ و پدری دلسوخته با همسفرانش اتمام حجت و برای آنان آرزوی موفقیت کرد و به ایشان راه خوشبختی را نشان داد. او بار مسئولیت و زمامداری کاروان خود را با این اعمال به طور کامل به انجام رساند؛ زیرا زهیربن قین روبه همراهان خود کرد و گفت: «هر کدام علاقه‌مندید می‌توانید با من بمانید و در غیر این صورت این آخرین دیدار ماست و فرصتی است که سرگذشتی را با شما در میان بگذارم. ما برای جنگ رهسپار منطقه بلنجر (نام شهری) شدیم. خداوند در آن جنگ پیروزی را نصیب ما کرد و به غنائمی دست یافتیم». سلمان گفت: «اگر حضور در رکاب جوانان خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را درک کنید بیش از پیروزی و غنائیم به دست آمده خود، شادمان و مسرور خواهید شد و اکنون من شما را به خدا می‌سپارم» (السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰). زهیربن قین در این گفت‌وگو سعی در افزودن بر تعداد حامیان حق داشت، کاری که خصلت هر مسلمان آزاده و خیرخواه

نسبت به هم نوعش است. دعوت با ارزش زهیر بی نتیجه هم نبود؛ زیرا پسرعمویش، سلمان بن مضارب و غلامش نیز مسیر حق را پیدا کردند و به کاروان امام حسین علیه السلام پیوستند و این زهیر بود که باعث رستگاری این دو جوانمرد و روشن گر راه هدایتشان شد.

۲-۵. نخستین ابراز وفاداری زهیر نسبت به امام حسین علیه السلام

زهیر در منزلگاه ذی حُسم، پاسخ مثبت و شیرینی را به مولای خود داد. در آن زمان اصحاب امام علیه السلام وی را برای سخن گفتن جلو قرار دادند. او امام معصوم زمانش را تصدیق و ثابت قدمی، وفاداری و عشق و ایمانش را نسبت به امام علیه السلام به روشنی اعلام کرد. مورخین به نقل از ابی مخنف می گویند: «وقتی حربن یزید راه را بر کاروان امام بست و مانع از ادامه حرکت آن حضرت شد و خواست او را در منطقه دلخواه خود فرود آورد حضرت علیه السلام خواسته او را نپذیرفت و سپاه حربن ریاحی به موازات سپاه امام حسین علیه السلام به حرکت درآمد تا به منطقه ای به نام ذو حُسم رسید. امام حسین علیه السلام در آنجا فرود آمد و برای یارانش خطابه ای ایراد کرد». (طبری، بی تا، ۳/۳۰۲؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱) خطبه ای که امام به یارانش از زیرپاشدن حق و انتها نداشتن باطل می گوید که در این شرایط مرگ، سعادت مرد و زندگی با ستمگران ذلت و ننگ است (سیدبن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). زهیربن قین به پاخواست و به یارانش گفت: «شما سخن می گوئید یا من سخن بگویم. گفتند: شما سخن بگو». زهیر نخست حمد و ثنای پروردگار را به جای آورد و سپس خطاب به امام عرض کرد: «ای هدایت یافته الهی! ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! پیامت را شنیدیم. به خدا سوگند! اگر دنیا ماندنی بود و نیز قرار بود ما در آن جاودان به سر می بردیم و با یاری و هم نوایی کردن با شما از آن موهبت ها جدا و محروم می شدیم مبارزه در رکاب شما را بر ماندن در این دنیا ترجیح می دادیم» (السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱). پس از پایان سخنان زهیربن قین، امام حسین علیه السلام در حق او دعای خیر کرد (قمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳).

۵-۳. خطبه احتجاج آمیز زهیر بن قین در روز نهم محرم

زهیر مردی سالخورده، باتجربه و با اعتقاد روشن بوده و به مسیر حق و حقیقت راه یافته و در جنگ‌های متعدد شرکت کرده بود. در آن زمان، رجزخوانی کار هر مرد جنگی در میدان جنگ بود، اما زهیر علاوه بر آن به موعظه، اندرز، راهنمایی و اثبات راه حق برای افراد دشمن نیز می‌پرداخت که نشان از بزرگی شخصیت، قدرت سخنوری و روحیه دلسوزی او نسبت به افراد فریب‌خورده دشمن است. در کتاب **یاران شیدای حسین بن علی (علیه السلام)** به نقل از ابی مخنف در این مورد آمده است: «زمان، روز پنجشنبه نهم محرم الحرام بود. حضرت عباس (علیه السلام) از یارانش خواست تا دست به انجام عمل جنگی و تحریک‌آمیزی نزنند تا او از برادر گرمی خود و فرمانده لشکر خویش امام حسین (علیه السلام) در این خصوص کسب تکلیف کند. در این فاصله زمانی، حبیب بن مظاهر و زهیر بن قین از بزرگان و ریش‌سپیدان لشکر امام (علیه السلام) فرصت را غنیمت می‌شمارند و برای سپاه دشمن خطبه‌های هدایتگر ایراد می‌کنند. زهیر پس از حبیب بن مظاهر سخن می‌گوید: او که خود اهل شهر کوفه است و افراد لشکر ستمگر ابن زیاد را به خوبی می‌شناسد از جمله عَزْرَه بن قیس را دقیق می‌شناسد به دفاع از حبیب بن مظاهر به پا می‌خیزد و به عَزْرَه بن قیس می‌گوید: خداوند شخصیت حبیب را پاک قرار داده و هدایت کرده است؛ زیرا عَزْرَه به حبیب توهین می‌کند. از سویی، عَزْرَه بن قیس نیز زهیر بن قین را دقیق می‌شناسد؛ زیرا هر دو از افراد یک طایفه بودند. بنابراین، خطاب به زهیر می‌گوید: «ای زهیر! مگر تو شیعه‌ای؟ تو از نظر من از هواداران عثمان بودی». زهیر این سخن عَزْرَه بن قیس را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و این اتهام و شبهه را با کلامی نغز و روشن‌گر از خود دور کرده و مردود می‌شمارد و در جواب عَزْرَه بن قیس چنین می‌گوید: «آیا الان شما از سخنانم و از جایگاهم نفهمیدی که از هواداران که هستم». زهیر نمی‌گوید که پیش از این زمان، عثمانی بودم و الان عثمانی نیستم و یا از اعتقادات پیشین خود ابراز پشیمانی و ندامت و خسارت کند؛ زیرا زهیر بن قین پیش از این اعتقادات خود را پنهان می‌کرده است و در بین قبیله خویش به تقیه عمل می‌کرده است. زهیر ادامه داده چنین می‌فرماید: «به خدا سوگند! من پیش از این نه هیچ‌گاه نامه‌ای به او (امام حسین (علیه السلام)) نوشته‌ام و نه بیکی برایش فرستاده‌ام و نه وعده



همکاری به او داده‌ام، بلکه در مسیر راه خود او را دیده‌ام و همراه او شدم. زمانی که او را دیدم به یاد جدش رسول خدا ﷺ و جایگاه آن حضرت افتادم و به این مطلب پی بردم که دشمنان آن حضرت یعنی، شما و حزب شما درباره آن حضرت چه تصمیمی دارند. بنابراین، مصمم شدم تا به یاری او بشتابم و به او بپیوندم و برای حفظ حق خداوند و رسولش جانم را در راه امام نثار کنم». در این زمان عباس رضی الله عنه از راه می‌رسد و آن شب را از دشمن مهلت می‌خواهد و هر گروه به جایگاه خود برمی‌گردند (تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷؛ الغامدی الازدی کوفی، ۱۹۹۹، ص ۴۵۳؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳).

۵-۴. جان فدایی زهیر در شب عاشورا

فردا روز عاشورا بود. همه افراد سپاه امام رضی الله عنه می‌دانند فردا کشته خواهند شد. امامشان نیز کشته خواهد شد. امام حسین رضی الله عنه یک بار دیگر به غربال کردن و خالص کردن اندیشه یاران و اصحاب خود می‌پردازد. بیعت خود را از دوش همه برمی‌دارد. در فضای تاریکی شب خطاب به آنان می‌گوید: «از تاریکی شب استفاده کنید و از اینجا بروید. دشمن تنها جان مرا می‌خواهد». در این لحظه حساس و سرنوشت ساز است که سخنان تاریخی و سرشار از عشق و ایمانی یاران جسور و غیور امام حسین رضی الله عنه از زبان هر یک از آنها ابراز می‌شود. چهره‌های متشخصی مانند عباس بن علی، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه و دیگر یاران امام رضی الله عنه هر کدام به نوبت خود، حمایت قاطع خود را از امام زمان و رهبر معصوم خود اعلام کردند. نوبت به زهیر، صحابی باعزت امام رضی الله عنه که رسید در محضر امام رضی الله عنه عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا ﷺ سوگند به خدا، دوست داشتم که هزاربار در راه تو کشته می‌شدم و سپس زنده می‌گردیدم تا خداوند به سبب این جان نثاری، کشته شدن را از وجود مقدس و نازنین شما و جوانان اهل بیت شما دور نماید» (سیدبن طاووس، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹). زهیرین قین پذیرای هزاربار شهادت در رکاب امام خود می‌شود. امام حسین رضی الله عنه پس از شنیدن سخنان شهادت طلبانه یاران خویش برای چنین یاران باوفا و پاک، دعای خیر کرده و از خداوند طلب پاداش نیک می‌کند.

۵-۵. قرار گرفتن زهیر در جناح راست لشکر

روز عاشورا امام حسین علیه السلام به تدبیر نظامی می پردازد و برای جنگ اقداماتی را طراحی می کند. سپاه خود را که تعدادش نزدیک به ۷۰ تن می رسید دسته بندی، صف آرایی و سازماندهی می کند. زهیر را فرمانده بر جناح راست لشکر قرار می دهد. حبیب را نیز فرمانده بر جناح چپ لشکر می گمارد و خود در قلب سپاه قرار می گیرد و پرچم را هم به دست بردار بزرگوارش، عباس بن علی علیه السلام می سپارد. (السماوی ۱۳۸۶، ص ۲۰۱) این موضوع که امام حسین علیه السلام زهیر بن قین را جزو مهمترین ارکان سپاه و فرمانده بااهمیت ترین طرف لشکر خود قرار می دهد، به وضوح نشان از پهلوانی و آگاهی زهیر به تاکتیک های نظامی و جنگی دارد و همچنین نشان روشنی از اعتماد و نزدیکی زهیر با امام حسین علیه السلام و بالعکس دارد. زهیر در میان اصحاب امام علیه السلام عهده دار دفاع و پاسداری از حریم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می شود. زهیر در دفاع از خیمه گاه امام علیه السلام آن گاه که قصد آتش زدن خیمام را داشتند به پا خواست. او عزه ضبابی را که از اصحاب شمر و اقوام او بود هلاک می کند. یاران زهیر بقیه افراد شمر را تعقیب کردند، اما دشمن آن عده را محاصره کرد و تعداد زیادی از آنها را به شهادت می رساند، ولی زهیر بن قین با شجاعت توانست از این معرکه جان سالم به در برد (السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷؛ طبری، بی تا، ۲۳۶/۳). زهیر تلاش می کرد به هر صورت ممکن، تعهدش نسبت به امام حسین علیه السلام را به طور کامل انجام دهد.

۵-۶. احتجاج زهیر در روز عاشورا

روز عاشورا امام علیه السلام بارها با کوفیان سخن گفت تا شاید بعضی از دل های آماده افراد لشکریان دشمن را به سمت حق بکشاند. همچنین به اصحاب باایمان خود فرمان داد تا با لشکریان دشمن سخن بگویند و به پندواندرز و نصیحت کوفیان فریب خورده بپردازند تا شاید بعضی از آنها هدایت شوند. این امر از وظایف الهی امام معصوم علیه السلام است که در ابتدا افراد گمراه را نصیحت و راهنمای کند اگر چنانچه هدایت نشدند بعد با آنان بجنگد. در کتاب **سلحشوران طف** از ابومخنف، او از علی بن حنظله بن سعد سبامی درباره موعظه زهیر چنین روایت کرده است: «زهیر بن قین درحالتی که سوار بر اسبی بود که دمی پر از مو داشت و خود او غرق در سلاح رزمی بود نزد ما آمد و

دوباره چنین گفت: ای کوفیان! از عذاب الهی بیم داشته باشید! هر مسلمانی وظیفه دارد که برادر مسلمان خویش را نصیحت و موعظه کند. ما اکنون تا زمانی که شمشیر به روی یکدیگر نکشیده‌ایم با هم برادر و دارای یک کیش بوده و یک امت هستیم. هرگاه شمشیر میان ما کشیده شود و حاکم شود این مصونیت (برادری) برداشته می‌شود و هر کدام ما امتی جداگانه خواهیم بود».

به درستی که مسلمانان به گردن یکدیگر حقوقی دارند. زهیر به این حقوق به خوبی اشاره و تکیه می‌کند. زهیر در جایگاهی قرار داشت که می‌خواست قلب‌های سخت را نرم و قلب‌های تاریک را روشن کند. او سعی کرد زنگار را از دلشان بزدايد و به مشترکات دینی تمسک جست و گفت: «ما همه مسلمانیم و دین، قبله و پیامبر واحدی داریم. پیامبری که اکنون فرزندش در مقابل شماست و او از همه متدین‌تر و آگاه‌تر به دین اوست؛ چرا با او جنگ می‌کنید در حالی که پیامبر شما به شما فرمان دوستی با اهل بیت خود را داده است» (ر.ک.، شورا: ۲۳). زهیر با کوشش زیاد، طاغوت زمان را به کوفیان می‌شناساند و به رها کردن از او دعوت می‌کند و این از وظایف فروعات دین است. زهیر به آنان ستم‌هایی را یادآوری کرد که آنان آن حوادث را با چشم‌های خود دیده بودند. ستم‌هایی که از آتش سوزان آن، عمق وجودشان را سوزانده بود. شخصیت‌های برگزیده را نام می‌برد که چطور مورد قساوت بنی‌امیه قرار گرفتند. وقتی زهیر این سخنان را گفت، سپاه سنگدل و تیره‌بخت دشمن وی را با کلام‌های زشت شماتت و مسخره و ابن زیاد ملعون را ستایش کردند. زهیر باز هم چون یک راهنمای خیرخواه و بدون در نظر گرفتن دشنام‌ها و اهانت‌های افراد، دشمن را به دوستی اهل بیت فراخواند.

شمربن ذی‌الجوشن به سمت زهیر تیری پرتاب کرد تا رشته سخنان محکم او را پاره کند. زهیر هم برای اینکه اذهان را دوباره به سخنان پیشین خود وصل کند قدر و شأن پست شمربن ذی‌الجوشن را برای مخاطبان خود بیان کرد. چون هیچ راهی برای تنبیه و تفکر در شخصیت شمربن ذی‌الجوشن وجود نداشت زهیر را به کشته شدن و هلاکت تهدید کرد در حالی که شهادت، نهایت آرزوی زهیر بود و گفت: «آیا مرا از مرگ می‌ترسانی. به خدا سوگند مرگ در راه حسین علیه السلام برایم

از زندگانی جاودان در کنار شما دوست داشتنی تر است و شفاعت رسول خدا به دشمنان حسین علیه السلام نمی رسد. در این زمان مردی از پشت سر صدا زد ای زهیر! ابا عبدالله می فرماید به سوی ما بازگرد. به جانم سوگند! همان گونه که مؤمن آل فرعون به بهترین وجه ممکن، قوم خود را پند داد و به سوی خداوند خواند تو نیز چنین کردی تا چه قبول افتد و چه در نظر آید و زهیر به سوی یاران و امام حسین علیه السلام بازگشت» (طبری، بی تا، ۳/۳۲۴؛ تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵). مناظره زهیر بن قین بالشکریان کوفه رویارویی دو جبهه حق و باطل را بازگو می کند. این گفت و گو، عمق یقین و ولایتمداری زهیر را نشان می دهد.

۵-۷. نماز زهیر با امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

وقت نماز ظهر شده بود. سپاه امام حسین علیه السلام دست از جنگ کشیدند و برای خواندن نماز به امامت امام خود مهیا شدند. به فرمان امام حسین علیه السلام تعدادی از افراد مأمور شدند تا از صف نمازگزاران و وجود امام حسین علیه السلام در هنگام اقامه نماز دفاع کنند و یکی از این افراد زهیر بود. امام حسین علیه السلام به زهیر فرمان داد و گفت: «پیش روی من بایست تا نماز را به جای آورم» (سیدین طاووس، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). اصحاب نماز خوف را اقامه کردند. در حالی که زهیر و سعد بن عبدالله حنفی مانند سپر جلوی حضرت ایستاده بودند و از ایشان در زمان نماز محافظت می کردند. دشمن به صف نمازگزاران حمله می کرد و به سوی آنان تیر و نیزه پرتاب می کرد.

۵-۸. شعار حماسی زهیر بن قین در میدان جنگ عاشورا

پس از اقامه نماز ظهر عاشورا زهیر بعد از پسر عموی خودش سلمان عازم میدان رزم شد. پیش از رفتن، دست هایش را بر دوش امام علیه السلام نهاد و در قالب اشعاری از ایشان اذن جهاد خواست. در مقتل الحسین در این مورد چنین آمده است که امام نیز می گوید: «من هم به دنبال تو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین را ملاقات می کنم» (تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴). دست نهادن بر شانه های امام علیه السلام نشان از نزدیکی و قرابت خاص بین زهیر و امام حسین علیه السلام دارد و حکایت از دوستی و

محبتی دیرینه و محکم می‌کند. زهیر که به میدان می‌رود او رفتن خود را با این شعار حماسی زیبا مزین می‌کند:

انا زهیر بن القین اذودکم بالسيف عن حسین

ترجمه: من زهیرم و فرزند قین، با شمشیر خود شما را از حسین دور می‌کنم.

در بازگشت می‌گوید:

اقدّم هدیّ هادیا مهدیا فالیوم تلقی جدک النبیّا

و حسنّاً والمرتضی علیّا وذالجنّاحین الفتی المکیّا

ترجمه: جانم به فدایت که هدایت‌کننده و هدایت شده‌ای! امروز به دیدار جدت پیامبر و حسن و علی مرتضی و جعفر طیار آن همیشه جاوید نایل خواهم شد. (طبری، بی تا، ۳۳۶/۴) در واژه‌های این ابیات، مفاهیم دوستی و محبت زهیر به امام علیه السلام تعبیر می‌شود. او در این اشعار حماسی هم خود را معرفی می‌کند و هم دوباره نیت حقیقی خویش را معرفی می‌کند. پس از نبردی سخت توسط دو نفر از سپاهیان ابن سعد به نام کثیر و مهاجر به شهادت می‌رسد (طبری، بی تا، ص ۳۳۰). شاید آن لحظه که زهیر به شهادت می‌رسد با چشمانی مملو از آرزو به شهادت می‌رسد؛ آرزوی دوباره زنده شدن و جنگیدن برای امام حسین علیه السلام تا آن حد که جان امام علیه السلام سالم بماند.

۹-۵. شهادت زهیر و دعای امام برای او

زهیر بن قین به دست کثیر بن عبدالله سعبی و مهاجر بن اوس بعد از جنگی سخت و با شهادت و شجاعت بی نظیر به شهادت می‌رسد. امام حسین علیه السلام واسطه خیر الهی برای زمینان است. خوشحالی ایشان خوشحالی خداوند است. زهیر یار باوفا و فرزانه‌اش را که نقش بر زمین شده بود، دید. برای زهیر دعا و قاتلین او را لعنت کرد: «لا یعبدک الله یا زهیر و لعن الله قاتلیک لعن الذین

مُسَخُوا قَرَدَه و خنازیرا؛ خدا تو را از رحمت خود دور نگرداند و قاتل تو را لعنت کند آن گونه که مسخ شدگان به صورت بوزینه و خوک را لعنت کرد» (موسوی جزائری، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴).

۶. شیعه بودن زهیر بن قین

۱-۶. معرفی مسلک عثمانی

عثمانی مذهببان افرادی بودند که اعتقاد داشتند عثمان بن عفان خلیفه سوم مظلومانه به قتل رسید و در تاریخ، مظلوم واقع شده است و امام علی علیه السلام را در قتل وی سهیم می دانند. غیظ، کینه و دشمنی شدیدی نسبت به شخصیت امام علی علیه السلام و فرزندانش دارند، اما نسبت به بنی امیه که داعیه خون خواهی عثمان را داشتند ارادت تام داشته و یاریشان می کردند. در کتاب **الاغانی** در این باره آمده است: «وقتی با علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت شد به او خبر رسید که حسان بن ثابت، کعب بن مالک و نعمان بن بشیر که عثمانی بودند بنی امیه را بر بنی هاشم مقدم می کنند و می گویند شام از مدینه بهتر است» (اصفهانی، ۱۴۱۵، ۱۶/۲۳۳). در کتاب **فتح الباری** از ابن حجر در این مورد آمده است: «عثمانی بودن یعنی، کسانی که در دوست داشتن عثمان از حد می گذرند و از علی بن ابی طالب عیب جویی می کنند» (عسقلانی، ۱۴۰۱، ۷/۱۴). شیخ محمد جواد طبسی در کتابش در این مورد می گوید: «عثمانی یا شخصی که میل و خواست او عثمانی است در آن روز اصطلاحی سیاسی بود یعنی، حداقل تأییدی بود کامل برای بنی امیه در ادعای مظلومیت عثمان بن عفان و دشمنی با علی بن ابی طالب به خاطر عثمان در بالاترین حد یعنی، همکاری در یک جنگ یا بیشتر بر ضد علی علیه السلام و زیر پرچم خون خواهی عثمان. همان گونه که در جمل و صفین اتفاق افتاد» (طبسی، ۱۳۸۶، ۳/۲۰۷). هیچ کس به جز عزره بن قیس که به زهیر می گوید تو یک فرد عثمانی بودی (ر.ک.، تهرانی، ۱۳۸۴، ۱۹۷؛ الغامدی الازدی الکوفی، ۱۹۹۹، ۴۵۳-۴۵۴). این مطلب فقط در **تاریخ طبری** آمده است، اما این عنوان در هیچ جای دیگر به زهیر بن قین نسبت داده نشده است. پاسخ زهیر به این اتهام از سوی عزره قیس، روشن کننده عقیده درونی اوست. نکات نهفته در این پاسخ مشخص می کند که زهیر هیچ گاه عثمانی مسلک نبوده است و

اگر در میان قوم خود به عثمانی بودن شناخته می‌شده و مشهور به این اعتقاد بوده بدون تردید از روی تقیه بوده است.

۶-۲. اثبات تقیه زهیر بن قین از کلام امام حسین علیه السلام

زهیر بن قین به ظاهر از شیعیان ملتزم به تمام تعالیم اسلام به سبک اهل بیت علیهم السلام بود. براساس فرمایش امام معصوم علیه السلام ایشان به تقیه عمل می‌کرد و امام ایشان را به مؤمن آل فرعون تشبیه می‌کند و همین امر اتهامات به زهیر را نقض می‌کند. خوانندگان محترم به سخنان امام حسین علیه السلام درباره زهیر توجه کنند، سپس داوری کنند. امام حسین علیه السلام در این باره بیانات جالبی دارد. برای مثال امام حسین علیه السلام زهیر را در روز عاشورا تشبیه به مؤمن آل فرعون می‌کند. وقتی زهیر مقابل لشکر ستمگر ابن زیاد ایستاده بود و آنان را مرتب موعظه می‌کرد امام علیه السلام به او فرمود: «اگر مؤمن آل فرعون قومش را نصیحت کرد و در خواندن آنان به سوی حق کوشش زیادی کرد تو نیز محققاً این گروه را نصیحت کردی و کوشش زیادی انجام دادی» (طبری، بی تا، ۴/۳۲۳). امام علیه السلام همچنین قاتل زهیر را مانند قاتلان مؤمن آل فرعون مورد لعن خود قرار می‌دهد: «خداوند تو را دور نگرداند ای زهیر! و قاتلت را مانند مسخ‌شدگان به میمون و خوک لعن کند» (خوارزمی، ۱۴۲۳-۱۳۸۱، ۲۴/۲؛ بحرانی، بی تا، ۱/۲۶۹).

مؤمن آل فرعون در تاریخ به دلیل حفظ ایمانش به شیوه سیاسی و دینی تقیه، مورد مدح و تمجید مسلمانان و امامان معصوم قرار دارد و **قرآن** این موضوع را مطرح و تأیید می‌کند. (ر.ک.، غافر: ۲۸) امام معصوم گواهی می‌دهد که زهیر از دوستان واقعی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و پیش از حادثه کربلا هم شیعه مخلص بوده و چون شیعه آل فرعون ایمان و اعتقاد واقعی خود را پنهان می‌کرده و با تقیه در میان قوم نادان خود زندگی کرده است و امام حسین علیه السلام در کربلا به این شیوه، اعتقاد زهیر را آشکار کرد و او را مورد تأیید خویش قرار داد.

۳-۶. شباهت‌های زهیربن قین به مؤمن آل فرعون

از تشبیه امام حسین علیه السلام که زهیربن قین را به مؤمن آل فرعون تشبیه کرده است مفاهیم زیادی به دست می‌آید که در این خصوص ره‌گشای انسان‌هاست. با مراجعه به روایت‌های اهل بیت علیهم السلام درباره مؤمن آل فرعون می‌توان به آنها دست یافت و ویژگی‌های مؤمن آل فرعون را بر زهیربن قین مورد تطبیق قرار داد و به نشانه‌ها و ویژگی‌های اعتقادی زهیر دست یافت. در این باره لازم است به نکات ذیل توجه کرد:

۳-۵-۱. مؤمن بودن زهیربن قین

در آیه منسوب به مؤمن آل فرعون آمده است: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ؛ و مرد مؤمنی از خاندان فرعون گفت». این مرد مؤمن که حزقیل نام دارد در قرآن کریم، نخست به صفت ایمان معرفی می‌شود. او از اعضای خاندان فرعون بود. با اینکه از نزدیکان فرعون است به خدا و پیامبرش ایمان راسخ دارد. بنابراین، حزقیل در قرآن با عنوان مؤمن خطاب شده است، پس هیچ‌گاه شخصی با اعتقاد عثمانی مذهب، توسط امام معصوم به مؤمن آل فرعون تشبیه و خطاب نمی‌شود و مورد و موضوع روایت‌های اهل بیت قرار نمی‌گیرد. در نتیجه باید گفت مفهوم واژه مؤمن، شامل ایمان و اعتقاد زهیر هم می‌شود.

۳-۶-۲. تقیه کردن زهیربن قین

مهمترین ویژگی که قرآن، پس از اثبات ایمان مؤمن آل فرعون برای وی می‌شمارد، این است که او ایمانش را از روی خوف، پنهان می‌داشت و سیدالشهدا زهیر را بخاطر داشتن چنین تقیه‌ای به مومن آل فرعون تشبیه کرده است. روایات نیز در مدح تقیه زیاد است؛ ابو حمزه از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «به خدا سوگند، دوست داشتم که مقداری از گوشت آرنج و بازویم را فدای دو خصلت شیعیانمان می‌کردم: یکی سبکی و شتاب و دیگری هم پنهان‌کاری» (کلینی، ۱۴۱۳-۱۹۹۲، ۲/۲۲۲). زهیر هم در زمان پیر از خفقان حکومت ظالمانه و غاصبانه بنی‌امیه

به ریاست معاویه و حکومت پیشینیان او زندگی می‌کرد و تقیه پیشه کرد تا دین و اعتقاد خالصش به خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام مصون نگه داشته شود.

۶-۳-۳. دفاع از معصوم زمانش

خداوند در آیه ۲۸ سوره غافر می‌فرماید: «و قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ؛ و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را نهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من الله است». در این آیه روشن است که مؤمن آل فرعون از حضرت موسی علیه‌السلام حمایت می‌کند و به فرعونیان می‌گوید: «آیا او را که فقط می‌گوید پروردگار من الله است، می‌کشید» در حالی که کار خطای دیگری انجام نداده است. زهیر نیز چنین است. او در برابر لشکریان کوفی ابن‌زیاد که برای کشتن امام حسین علیه‌السلام شمشیر کشیده بودند از امام معصوم دفاع می‌کند و آنان را از کشتن امام معصوم برحذر می‌دارد. می‌گوید: اگر او را یاری نمی‌کنید در امور او و یزید مداخله نکنید. قسم به خدا که یزید بدون کشتن حسین هم از شما راضی می‌شود. زهیر نسبت به امام معصوم زمانش شناخت کاملی دارد و سعی دارد تا از وجود مقدس او و خاندانش ایثارگرانه دفاع کند (السماوی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵).

۶-۳-۴. پاک و خالص بودن دین زهیر بن قین

امام حسین علیه‌السلام زهیر بن قین را در دین به کوفیان نسبت نداده و سخن ایشان، گواه روشنی بر پاکی و خالص بودن دین زهیر بن قین است. خداوند نیز مؤمن آل فرعون را در دینش به فرعونیان نسبت نمی‌دهد. در کلام معصومین آمده است: «امام یازدهم علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند با عزت و جلال در سوره مؤمن، قول مرد مؤمنی از خاندان فرعون را حکایت می‌کند» (ر.ک.، غافر: ۲۸) او پسر خاله‌ای فرعون بود. خداوند هم او را در خویشاوندی اش به فرعون نسبت داد، اما در دینش به فرعون نسبت نداد (شیخ صدوق، بی‌تا، ص ۵۵۳). امام حسین علیه‌السلام زهیر را در دینش تبرئه و حسابش را از لشکریان کوفه و قومش جدا کرد. زهیر هنگام موعظه کوفیان، شمشیر خود را مرز

جداکننده بین عقاید آنان و عقاید خود خواند و گفت: «این شمشیر وابستگی آنها را از نظر قومی و اعتقادی از بین خواهد می برد» (سید جمال اشرف، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

۶-۳-۵. تشبیه زهیر به سابقین در ایمان

در حدیثی گرانبها از پیامبر ﷺ آمده است: «سابقین امت‌ها سه نفرند که یک چشم برهم‌زدن به خدا کفر نورزیده‌اند: خریل مؤمن آل فرعون، حبیب نجار ملازم یاسین و علی بن ابی طالب علیه السلام و او برترین آنهاست». (مجلسی، ۱۳۶۳) با دقت در کتب تفسیر قرآن مشخص می‌شود که سابقون یا سابقین کسانی هستند که نه تنها در ایمان پیشگامند، بلکه در اعمال خیر و صفات و اخلاق انسانی نیز پیشگامند. آنها اسوه مردم و پیشوای خلق هستند. به همین دلیل هم مقربان درگاه خدا هستند. زهیر هم که براساس کلام سیدالشهدا علیه السلام به مؤمن آل فرعون تشبیه شده است مانند مؤمن آل فرعون به سوی حق سبقت گرفته بود. این تشبیه دلیل بر این است که سفر زهیر بن قین به حج و هم‌منزلی‌اش با امام حسین علیه السلام یک اتفاق نبوده است، بلکه او قصد پیشی گرفتن یاری کردن از حق را داشته است، پس او از هم‌منزلی با امام کراهت نداشته، بلکه به سوی امام حسین علیه السلام شتافته است تا از سابقان و مقربان درگاه خدا و پیامبر، اولیا باشد.

۶-۳-۶. تشبیه زهیر به گروه اولین

با تشبیه امام حسین علیه السلام زهیر هم جزو سابقین امت است و هم جزو اولین و صفت اولین، منطبق بر سابقین امت اسلام است؛ یعنی کسانی که در اعتقاد به دین اسلام و دفاع از آن پیشگام بودند. در کتاب بحار الانوار از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت درباره آیه «ثُمَّ مِنَ الْأُولَیْنَ؛ گروهی از اولین» (واقعه: ۱۳) فرمود: «اینان پسر آدم که برادرش او را کشت، مؤمن آل فرعون و حبیب نجار ملازم یاسین هستند». مصداق واقعی واژه‌های ذیل: و آیه: «قلیل من آخرین؛ و عده کمی از آخرین» (واقعه: ۱۴) علی بن ابی طالب علیه السلام است (مجلسی، ۱۳۶۳، ۳۵/۳۳۳). چیزی که زهیر بن قین را هم‌ردیف با اولین افراد در امت اسلام قرار می‌دهد کلام سیدالشهداست. افتخاری که زهیر به دلیل ایمان قلبی‌اش به اسلام و تشیع کسب می‌کند.

۶-۳-۷. تشبیه زهیر به صدیقین

پیامبر ﷺ فرمود: «صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، مؤمن آل یاسین، حزقیل مؤمن آل فرعون، علی بن ابی طالب که از آنها برتر است». (مجلسی، ۱۳۶۳، ۷۶/۴۰) مؤمن آل فرعون در کلام پیامبر ﷺ جزو گروه صدیقین است و با تشبیه زهیر به مؤمن آل فرعون، زهیر هم مانند مؤمن آل فرعون جزو این گروه است. صدیق کسی است که ملکه صدق در گفتار و کردارش سرایت کرده باشد. در نتیجه آنچه می گوید، انجام می دهد و آنچه را انجام می دهد بر زبان می آورد. رفتاری که خاص مؤمنین است. چنین خصلتی هم در زهیر هویدا است. آنچه به آن ایمان داشت را ابراز کرد و به سعادت واقعی دست یافت.

۶-۴. منابع تاریخ و عثمانی بودن زهیر

اتهام عثمانی بودن زهیر تنها همان سخن عزره بن قیس است که به زهیر این تهمت را زده و در کتاب تاریخ طبری آمده است. برای این خبر، مستند قدیمی تر از تاریخ طبری در دست نیست. اگر این مطلب در دیگر کتاب های تاریخی ذکر شده، برگرفته از کتاب طبری و با توجه به سخن عزره است. هیچ یک از علمای رجال و مورخین، سخن و بهتان عزره بن قیس را نسبت به زهیر تأیید نکرده اند. (جمال اشرف، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱) حتی دشمنان هم سخن عزره را تأیید نکرده اند. اگر سخن عزره بن قیس راست بود، جا داشت زهیر به دلیل آن به شدت مورد عتاب و بازخواست و نقص قرار گیرد و همچون حر که هنگام پیوستن به امام علیه السلام توبه کرد او نیز عذرخواه می شد که چنین چیزی در تاریخ نیامده است.

۶-۴-۱. تردید در سخن راوی که حرف از ضمیر جمع «ما» می زند

در روایتی که درباره نحوه پیوستن زهیر به امام حسین علیه السلام و هم منزلی ایشان با یکدیگر می گوید که در اوایل این نوشتار ذیل عنوان زرود یا منطقه پیوستن زهیر بن قین به امام حسین علیه السلام براساس تاریخ آمده است: «راوی وقتی روایت می کند، چیزی از زبان زهیر بن قین نمی گوید، بلکه سخن خود را با ضمیر جمع ما می گوید. ما همراه زهیر بن قین بودیم، وقتی از مکه آمدیم با امام

حسین علیه السلام هم مسیر شدیم. هیچ چیز برای ما ناراحت کننده تر از این نبود که با او در یک منزل هم مسیر شویم». همچنین وقتی فرستاده امام به سویشان می آید و زهیر را می خواند، می گوید: «آنچه در غذا در دستانمان بود، انداختیم از شدت ناراحتی گویی پرنده ای بر سرمان نشسته بود». (الغامدی الازدی الکوفی، ۱۹۹۹، ص ۴۳۷-۸۳۸؛ طبری، بی تا، ۳/۳۰۲؛ السماوی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹). محتوای این روایت جای شک و تردید دارد در اینکه زهیر از پیوستن به امام علیه السلام ناخشنود بود؛ زیرا حرفی از زبان خود زهیر و شواهد از احوالش زده و دیده نشده که دال بر ناخوشنودی زهیربن قین از هم منزلی با کاروان مقدس امام حسین علیه السلام باشد. این نشانگر اتخاذ یک سیاست درست و عمل زیرکانه و شیوه هوشمندانه است که زهیربن قین برای رسیدن و پیوستن به کاروان مقدس امام حسین علیه السلام برگزیده بود.

۶-۴-۲. امام فقط زهیر را می خواند

در کتب معتبر تاریخی آمده است که وقتی پیک امام حسین علیه السلام وارد خیمه زهیر و همراهانشان می شود، می گوید: «ای زهیر همانا اباعبدالله، حسین بن علی علیه السلام مرا به سوی تو فرستاده تا نزد او آیی». (طبری، بی تا، ۴/۳۰۲) با اینکه در بین کاروان زهیربن قین اشخاصی از اقوام، خویشان و قبیله او، هم وجد داشتند، ولی خطاب امام حسین علیه السلام فقط متوجه زهیربن قین است. امام علیه السلام زهیر را با این خطاب از همراهانش جدا کرده و حسابش را از خویشانش هم جدا کرده است. از این نکته چنین استنباط می شود که این همراهان زهیر بودند که از هم منزلی با امام حسین علیه السلام اگره داشتند نه زهیربن قین. از آنجا که امام کون و مکان از درون و حقیقت اشخاص آگاه است و شخصیت واقعی هر کس را می بیند، پس فقط زهیربن قین را برمی گزیند و او را برای کمک به خود و به کاروان خویش فرامی خواند. زهیربن قین این همه سختی راه سفر و آفتاب سوزان را تحمل کرده بود تا به بارگاه یار برسد و از قافله عشق جا نماند.

وقتی حضرت عباس علیه السلام از گفت‌وگو با شمر بن ذی الجوشن بازمی‌گشت شمر به حضرت عباس علیه السلام وعده امان نامه داده بود که حضرت عباس دست رد بر سینه شمر بن ذی الجوشن کوبیده بود. وقتی حضرت عباس به خیمه امام علیه السلام می‌آمد درحالی که زهیر و جمعی از یاران همراهش بودند زهیر خود را به حضرت عباس علیه السلام رساند و از علاقه و نزدیکی خود به امام علی علیه السلام سخن گفت. به حضرت عباس گفت: «آیا حدیثی برایت بگویم؟ حضرت عباس علیه السلام گفت: بگو که وقتش است». زهیر ماجرای ازدواج امام علی علیه السلام با بانوی مخدره ام‌البنین را تعریف می‌کند و می‌گوید: «پیش از آنکه امام علی علیه السلام خواست با بانو ام‌البنین ازدواج کند به برادرشان عقیل که نسب‌شناس عرب بود، گفت: زنی برایم جست‌وجو کن که در حسب و نسبش شجاعت باشد، تا از او فرزندی شجاع برایم متولد شود که این فرزندم (امام حسین علیه السلام) را یاری کند و در واقعه طف، یاورش باشد. ای عباس! تو ذخیره امیرالمؤمنین برای چنین روزی هستی، پس از یاری نسبت به خواهرانت و برادرانت کوتاهی نکن». حضرت عباس از سخنان زهیر برافروخته شد و گفت: «مرا به شجاعت فرامی‌خوانی؟ به خدا سوگند چیزی به تو نشان خواهم داد که هیچ‌گاه ندیده باشی». زهیر سکوت می‌کند و می‌گوید: «تو بزرگ‌تر از آنی که ایمانت را تنها بگذاری» (سنگری، ۱۳۹۱، ۹۷۲/۲؛ حاجیانی دشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴؛ خلخالی، ۱۳۷۵، ۲۰۸/۱). این گفت‌وگو نشان از نزدیکی عمیق زهیر با بیت علوی دارد. ازدواج امام علی علیه السلام قبل از خلافت ایشان بود و زهیر از آن به خوبی باخبر بود. او حتی از انگیزه ازدواج نیز مطلع بود. زهیر سر این ازدواج را به اسرار عاشورا پیوند داد.

در زیارت ناحیه مقدسه از زبان حضرت حجت در مدح زهیر آمده است: «السلام علی زهیر بن قین البجلی القائل للحسین علیه السلام و قد أدن له؛ لا والله لا یكون ذلك أبداً أتربک ابن رسول الله صلی الله علیه و آله اسیراً فی ید الاعداء و انجدنا؟ لا ارانی الله ذلك الیوم؛ سلام بر زهیر فرزند قین بجلی، آن که چون امام به او اجازه بازگشت داد در پاسخ گفت: نه به خدا سوگند هرگز فرزند رسول الله را که درود خدا

بر او و آل اوست، ترک نخواهم کرد. آیا فرزند رسول الله را درحالی که اسیر دست دشمنان است، رها کنم و خود را رهایی بخشم. خداوند آن روز را بر من نیاورد.» (سیدبن طاووس، ۱۴۰۹، ۷۷/۳)

زیارت ناحیه مقدسه از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده است. در این زیارت شریف، امام وعده خون خواهی شهدای دشت نینوا را داد. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به زهیر سلام و درود می فرستد و برایش اهمیت ویژه ای قائل شده است. باید در کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درنگ و تأمل کرد. زهیر سخنان زیادی در کربلا در مقابل دشمن و در مقابل امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف اراده کرده است، ولی سخنان نغزی که زهیربن قین در لحظه ای که امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت خود را از دوش یارانش برداشت، گفته است مورد تقدیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شده است؛ سخنی که در شب عاشورا قلب امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را شاد کرد و سخن زهیربن قین و یاران باوفای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نوعی آرامش را در کاروانیان امام ایجاد کرد. اینها افرادی هستند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری خواهند کرد. یارانی که ویژگی های زهیربن قین در یاری کردن امام زمانشان را داشته باشند و در راه حق و امام برحقشان جان فشانی کنند و مایه آرامش و شادی امام و پیشوای معصوم زمان خود باشند.

۷. نتیجه گیری

زهیربن قین شخصیتی شناخته شده در جامعه اسلامی بود که سال های متمادی برای پیروزی مکتب اسلام در جنگ های مختلف در برابر دشمنان اسلام شرکت کرده بود و شخصیت او در دامن اسلام، **قرآن** و جامعه سلامی رشد کرده بود. زهیر از قدیم به خاندان علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف ارادت تام داشت و هیچ وقت از ارادت خود نکاسته بود. زهیر به دلیل شرایط نامساعد و جو مسموم جامعه اسلامی تا پیش از قیام عاشورا اعتقاد واقعی خود را در بین اقوام پنهان می کرد و با شیوه تقیه زندگی می کرد و اتهام عثمانی بودن او برخلاف واقع است. زهیر در کربلا به دعوت رسمی از طرف امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف به خیل کاروان نورانی اباعبدالله الحسین بن علی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوست و در رکاب مولای خود با کوفیان شجاعانه جنگید و در دفاع از هدف به حق امام معصوم زمان خود در سرزمین کربلا شربت گوارای شهادت را در جام ولایت سرکشید و به جمع

شهادی اسلام پیوست. زهیر از جمله شخصیت های اسلام و تشیع است که شخصیت اعتقادی او مورد تأیید امام حسین علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام قرار گرفته است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. السماوی، شیخ محمد بن طاهر (۱۳۸۶). سلحشوران طف. مترجم: جلالی، عباس. قم: انتشارات زائر.
۲. السماوی، شیخ محمد بن طاهر (۱۳۷۷). ابصار العین فی انصار الحسین. قم: انتشارات مرکز دراسات الاسلامیه.
۳. السماوی، شیخ محمد بن طاهر (۱۳۷۶). انصار الحسین. مترجم: عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. قم: نشر نوید اسلام.
۴. الغامدی الازدی الکوفی، لوط بن یحیی بن سعید (۱۹۹۹). تاریخ ابی مخنف. بیروت: دارالرسول الاکرم صلی الله علیه و آله.
۵. اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۵). الاغانی. بیروت: نشر اخبار اتراث.
۶. امین عاملی، سید محسن (۱۹۹۸/۱۴۱۹). اعیان الشیعه. بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۷. بحرانی، شیخ عبدالله (بی تا). العوالم الامام الحسین. قم: ناشر مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۸. تهرانی، آقامرتضی (۱۳۸۴). یاران شیدای امام حسین علیه السلام. قم: انتشارات میم.
۹. جزایری، سید نعمت الله (۱۳۸۸). قصه های قرآن و انبیا. مترجم: رشیدی، لطیف. قم: نشر مسجد مقدس جمکران.
۱۰. حاجیانی دشتی، عباس (۱۳۸۵). زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام. قم: نشر موعود الاسلام.
۱۱. حموی، یاقوت (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: نشر دارالانصار.
۱۲. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳/۱۳۸۱). المناقب. قم: انوار المهدی.
۱۳. ربانی خلخالی، علی (۱۳۷۵). چهره درخشان قمر بنی هاشم. قم: نشر مکتب الحسین.
۱۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود بن وند (۱۳۷۳). اخبار الطوال. مترجم: مهدوی دامغانی، محمود. قم: المنشورات الشریف الرضی.
۱۵. سید جمال اشرف، سید علی (۱۳۸۹). زهیر بن قین شیعه ای که به پیشواز امام می رود. مترجم: محتبی خورشیدی. مشهد: انتشارات ثامن الحجج.
۱۶. سنگری، محمدرضا (۱۳۹۱). آینه داران آفتاب. تهران: تانتشارات بین الملل.
۱۷. سید بن طاووس (۱۳۷۸). لیهوف. مترجم: رجالی تهرانی، علیرضا. بی جا: نشر نبوغ.
۱۸. سید بن طاووس (۱۴۰۹). اقبال الاعمال. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (بی تا). الامالی. مترجم: کمره ای، محمدباقر. تهران: قسم الدراسات الاسلامیه.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الامم والملوک. بیروت: نشر دارالتراث.
۲۱. طبسی، شیخ محمد جعفر (۱۳۸۶). مع الרכب الحسینی من المدینه الی المدینه. قم: نشر زمزم هدایت.
۲۲. عسقلانی، ابن حجر (۱۹۱۸/۱۴۰۱). صحیح بخاری. بیروت: نشر دارالاحیاء التراث.
۲۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۱). در کربلا چه گذشت. مترجم: کمره ای، محمدباقر. قم: ناشر جمکران.
۲۴. کلینی، محمد یعقوب (۱۹۹۲/۱۴۱۳). اصول کافی. بیروت: نشر دارالاضواء.

۲۵. کوفی، لوط بن یحیی (۱۹۹۹). تاریخ ابی مخنف. بیروت: دار الرسول الاکرم ﷺ.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. موسوی جزایری، سیدعلی (۱۳۸۹). اولین مقتل سالار شهیدان. قم: انتشارات بنی الزهرا.

